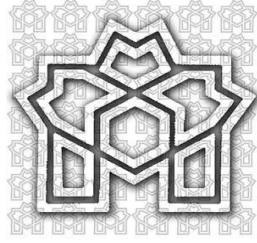


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی  
پردیس آموزش‌های نیمه حضوری

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روابط بین الملل

**عنوان:**

**نقش قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا در قبال  
جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴)**

استاد راهنما:

دکتر هادی آجیلی

استاد مشاور:

دکتر مرتضی نورمحمدی

استاد داور:

دکتر سید جلال الدین دهقانی

دانشجو:

حمید عباسی

شهریور : ۹۲

با تشکر از:

دکترسید جلال الدین دهقانی ریاست محترم گروه روابط بین الملل دانشکده نیمه حضوری علامه طباطبایی به عنوان استاد داور و دکتر هادی آجیلی به عنوان استاد راهنما، دکتر مرتضی نورمحمدی به عنوان استاد مشاور، که با راهنمایی و هدایت هایشان نقش ارزنده‌ی در نگارش این پایان‌نامه ایفا نمودند، همچنین باید تشکر ویژه‌ای از اساتید خویش در دانشگاه علامه طباطبایی به جا آورم. اساتید بزرگواری همچون، دکتر حسین سلیمی، دکتر غلامعلی چگینی زاده، دکتر حسین دهشیار، دکتر مجید رضا مؤمنی (استاد مدعو) و همچنین دکتر محمد صادق کوشکی (استاد مدعو از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) که با مباحث و تدریس این بزرگواران نقش مهمی در نگارش این پایان‌نامه و همچنین افزایش آگاهی علمی و پژوهشی در زمینه رشته روابط بین الملل ایفا نمودند.

تقدیم به:

پدرم

سرمایه عاطفی وجودم

مادرم

پشتوانه همیشگی زندگی ام

## چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و تبیین نقش قدرت هوشمند درسیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران می پردازد. این پژوهش براساس چارچوب نظری ترکیبی رئالیسم نوکلاسیک وشاخه های فرعی آن به همراه تئوری قدرت نرم جوزف نای صورت می گیرد. هدف از این پژوهش شناخت راهبرد سیاست خارجی آمریکا به منظور ترسیم جایگاه آن در قبال جمهوری اسلامی ایران می باشد. براین اساس دراین پژوهش در نظر داریم با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ضمن شناخت این راهبرد نوین ایالات متحده به بررسی آن در قبال جمهوری اسلامی پردازیم. آنچه بر اهمیت این مقوله افزوده جایگاه مهم و حساس جمهوری اسلامی در منطقه تحت نفوذ آمریکا یعنی خاورمیانه و قدرت یابی آن به عنوان یک قدرت منطقه ای در حال رشد می باشد که باعث شده ایالات متحده در دوران باراک اوباما به ترکیبی از مؤلفه های قدرت همچون ( قدرت سخت، نرم ونیمه سخت ) توجه نماید و آنها را در قالب ترکیبی و متوازن به نام « قدرت هوشمند » به کاربرد.

بر این اساس اهداف ایالات متحده در بعد داخلی وخارجی نسبت به جمهوری اسلامی در دو جهت صورت می گیرد، از یک سو ودربعد داخلی هدف اصلی تغییر نظام سیاسی و تضعیف مشروعیت نظام به شکل استحاله و دگرگونی در ارزشهای مشروعیت دهنده نظام وجایگزینی آن با ارزش های غربی مورد نظر، ازسوی دیگر ودربعد خارجی هدف جلوگیری از قدرتیابی ایران و افزایش نفوذ آن در منطقه به شکل جلوگیری و توقف برنامه ای هسته ای و همچنین تخریب و تضعیف چهره جمهوری اسلامی در انظار دیگر قدرتهای منطقه ای و انزوا قرا گرفتن آن می باشد. باتوجه به این مطالب، سوال اصلی پژوهش به این صورت می باشد: قدرت هوشمند درسیاست خارجی آمریکا در قبال ایران از چه جایگاهی برخوردار است ؟ فرضیه پژوهش نیز به این صورت می باشد: قدرت هوشمند به مثابه راهبرد نوین در سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما بوده که طبق برآورد دستگاه دیپلماسی ایالات متحده به دلیل چند جانبه گرا بودن به نسبت استفاده یک جانبه از قدرت سخت و یا نرم اثر بیشتری را نسبت به مهار جمهوری اسلامی ایران داشته است.

**کلید واژه ها:** قدرت سخت، نرم، قدرت هوشمند، سیاست خارجی ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	
<b>فصل اول : کلیات پژوهش</b>	
۱- طرح مسئله .....	۲
۲- سؤال اصلی تحقیق .....	۵
۳- فرضیه پژوهش .....	۵
۴- متغیرهای پژوهش .....	۵
۵- اهمیت و ضرورت تحقیق .....	۵
۶- شاخص‌های پژوهش .....	۵
۷- پیشینه و سوابق تحقیق .....	۶
۸- اهداف تحقیق .....	۱۲
۹- کاربرد و ضرورت پژوهش .....	۱۲
۱۰- روش شناسی تحقیق .....	۱۲
۱۱- مشکلات و تنگناهای پژوهش .....	۱۳
۱۲- تعریف مفاهیم پژوهش .....	۱۳
۱۳- سازمان دهی مطالب تحقیق .....	۱۶
<b>فصل دوم: چارچوب نظری</b>	
مقدمه .....	۱۸
۱- قدرت .....	۱۹
۱-۱- مفهوم قدرت از منظر نظریه‌های روابط بین الملل .....	۱۹
۲-۱- تعریف مفهوم قدرت از نظر پژوهشگران .....	۲۱
۳-۱- تحلیل مفهوم قدرت .....	۲۴
۱-۳-۱- برداشت سنتی از قدرت .....	۲۴
۲-۳-۱- برداشت نوین از قدرت .....	۲۴
۳-۳-۱- تغییر و تحول در منابع قدرت .....	۲۶
۴-۳-۱- تنظیم و مهندسی منابع قدرت .....	۲۷
۲- قدرت هوشمند .....	۲۹

۳۰	۱-۲- مفهوم قدرت هوشمند
۳۴	۲-۲- ضرورت قدرت هوشمند
۳۷	۳-۲- چارچوب تحلیلی - تئوریک قدرت هوشمند
۵۹	۳- نظریه قدرت نرم جوزف نای
۵۹	۱-۳- مفهوم قدرت نرم
۶۱	۲-۳- تئوری قدرت نرم
۶۴	۳-۳- روش‌های اعمال قدرت نرم
۶۹	۴-۳- عوامل ایجاد کننده و تقویت کننده قدرت نرم
۷۱	۵-۳- تعامل میان قدرت سخت و نرم
۷۲	۶-۳- تفاوت و تمایزهای قدرت نرم و سخت از نظر نای
۷۳	۷-۳- ارکان قدرت نرم
۷۴	۸-۳- منابع قدرت نرم
۷۴	۳-۸-۱- فرهنگ و ارزش ها
۷۶	۳-۸-۲- دیپلماسی عمومی
۷۸	۳-۸-۳- سیاست خارجی
۷۹	۳-۹- عناصر قدرت نرم
۸۲	۳-۱۰- کاربرد قدرت نرم؛ تاکتیک‌های مؤثر قدرت نرم
۸۶	۳-۱۱- کارکردهای قدرت نرم
۸۶	۳-۱۲- ویژگی‌های قدرت نرم
۸۷	۳-۱۳- آسیب شناسی قدرت نرم؛ رویکردهای موافقان و مخالفان
۹۴	۳-۱۴- شاخص‌های کارکردی قدرت نرم
۹۶	۴- تعریف مفهوم تهدید
۹۷	۴-۱- تهدید سخت
۹۸	۴-۲- تهدید نرم
۹۹	۴-۲-۱- ابعاد و حوزه‌های تهدید (تهدید نرم)
۱۰۵	۴-۲-۲- ویژگی‌های تهدید نرم
۱۰۷	۴-۲-۳- منابع تهدید نرم
۱۰۸	۴-۲-۴- تفاوت‌های اساسی تهدید نرم و تهدید سخت

۱۱۰	۳-۴- جنگ نرم
۱۱۲	۳-۴-۱- مفهوم جنگ نرم
۱۱۳	۳-۴-۲- نگاهی به واژگان جنگ نرم
۱۱۸	۵- منابع قدرت هوشمند
۱۱۸	۵-۱- قدرت سخت
۱۱۹	۵-۱-۱- عنصر تشکیل دهنده قدرت سخت
۱۲۱	۵-۱-۲- منابع قدرت سخت
۱۲۲	۵-۲- قدرت نرم
۱۲۲	۵-۳- قدرت نیمه سخت
۱۲۵	نتیجه گیری فصل دوم

### فصل سوم: جایگاه قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا

۱۲۹	مقدمه
۱۳۰	۱- قدرت هوشمند
۱۳۲	۱-۱- سوزان ناسل و قدرت هوشمند
۱۳۳	۱-۲- جوزف نای و قدرت هوشمند
۱۳۴	۱-۳- کمیسیون قدرت هوشمند
۱۳۵	۲- سیاست خارجی آمریکا در دوران باراک اوباما (گفتمان تغییر)
۱۳۸	۲-۱- قدرت هوشمند راهبرد نوین سیاست خارجی آمریکا
۱۴۰	۲-۲- کارکردهای قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا
۱۴۸	۲-۳- مکانیزم تصمیم گیری در سیاست خارجی آمریکا (انتخاب و مدیریت قدرت هوشمند)
۱۴۸	۲-۳-۱- خیرجهانی و قدرت هوشمند
۱۵۰	۲-۳-۲- بازی سه بعدی شطرنج و قدرت هوشمند
۱۵۲	۲-۳-۳- چندجانبه گرایی جدید
۱۵۴	۲-۳-۴- اقدامات نخبگان ابزاری در راستای قدرت هوشمند
۱۵۶	۲-۳-۵- جهت گیری باراک اوباما در خاورمیانه
۱۵۹	۲-۳-۶- موضوعات محوری سیاست خارجی باراک اوباما در منطقه خاورمیانه
۱۶۰	۲-۳-۶-۱- اعراب و اسرائیل (روند صلح در خاورمیانه)
۱۶۱	۲-۳-۶-۲- عراق و ایران



۱۶۲	.....۳-۳-۳-افغانستان و پاکستان
۱۶۷	.....۳-ویژگی‌های قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا
۱۶۹	.....۴-محدودیت‌های سیاست خارجی آمریکا
۱۷۲	.....۵-استثناگرایی آمریکا و چالش‌های آن
۱۷۴	.....نتیجه‌گیری فصل سوم

### فصل چهارم: قدرت هوشمند آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

۱۷۷	.....مقدمه
۱۷۸	.....۱-اقدامات قدرت هوشمند
۱۷۹	.....۱-۱-۱-قدرت نرم و به کارگیری آن برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران
۱۸۰	.....۱-۱-۱-نقش آمریکا در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۸)
۱۸۳	.....۱-۱-۲-پروژه ایران هراسی
۱۸۵	.....۱-۱-۲-۱-ایران هراسی؛ دلایل
۱۸۸	.....۱-۱-۲-۲-ترویج ایران هراسی
۱۹۱	.....۱-۱-۲-۳-ایران هراسی؛ پیامدها
۱۹۳	.....۱-۱-۲-۴-راهبرد ایران هراسی
۱۹۴	.....۱-۱-۲-۵-محورهای ایران هراسی
۱۹۴	.....۱-۱-۲-۶-تاکتیک‌ها و تکنیک‌های ایران هراسی
۱۹۵	.....۱-۱-۲-۷-امواج ایران هراسی (موج اول، موج دوم، موج سوم)
۱۹۵	.....۱-۱-۲-۸-اهداف ایران هراسی
۱۹۵	.....۱-۱-۳-۱-رسانه‌ها؛ عامل انتقال قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا
۱۹۷	.....۱-۱-۳-۱-۱-مؤسسات کمک‌های ملی برای دموکراسی
۲۰۱	.....۱-۱-۳-۲-خانه آزادی
۲۰۱	.....۱-۱-۳-۳-بنگاه سخن پراکنی مدیران
۲۰۲	.....۱-۱-۳-۴-صدای آمریکا
۲۰۳	.....۱-۱-۳-۵-رادیو فردا
۲۰۴	.....۱-۱-۳-۶-سایت فارسی وزارت امور خارجه آمریکا
۲۰۵	.....۱-۱-۷-اینترنت (فضای مجازی، سایبری)
۲۰۷	.....۲-چالش‌های نرم افزارگرایی آمریکا در قبال ایران (حوزه ساختار داخلی و خارجی)

- ۲-۱-۲- اقدامات نرم افزارگرایی آمریکا در حوزه ساختار داخلی ایران..... ۲۰۷
- ۲-۱-۱-۲- بسترسازی تنش‌های قومی - فرقه‌ای در مرزهای شرقی و غربی ایران..... ۲۰۷
- ۲-۱-۲- چشم‌انداز آتی در مناطق قومیت‌نشین..... ۲۱۰
- ۲-۱-۲-۳- چالش کارآمدی..... ۲۱۱
- ۲-۱-۲-۴- بی‌ثباتی ساختار و نهادهای سیاسی..... ۲۱۲
- ۲-۱-۲-۵- تضعیف ایدئولوژی سازمان دهنده و مشروعیت بخش..... ۲۱۳
- ۲-۲- اقدامات نرم افزارگرایی آمریکا در حوزه ساختار خارجی ( منطقه‌ای - بین‌الملل)..... ۲۱۵
- ۲-۲-۱- مقابله آمریکا با نقش منطقه‌ای ایران..... ۲۱۵
- ۲-۲-۲- ایجاد بازدارندگی در گسترش جغرافیای فرهنگی..... ۲۱۶
- ۲-۲-۳- ایجاد ساختار سیاسی کشورهای همسایه بر مبنای لیبرال دموکراسی شبه مذهبی..... ۲۱۷
- ۳- فرایندهای مقابله‌گرایی آمریکا با ساختار و اهداف جمهوری اسلامی..... ۲۱۹
- ۳-۱- ایدئولوژی‌سازی رویارویی آمریکا با ایران..... ۲۱۹
- ۳-۲- حداکثرسازی عملیات روانی در جهت مشروعیت‌زدایی ساختار سیاسی ایران..... ۲۲۰
- ۳-۲-۱- مشروعیت‌زدایی ساختاری - اعتباری سیاست خارجی ایران..... ۲۲۰
- ۳-۲-۲- اجرای سیاست تغییر رژیم در ایران..... ۲۲۲
- ۴- تغییر رفتار..... ۲۲۴
- ۴-۱- اتهام‌گرایی آمریکا در قالب تغییر رفتار علیه الگوی رفتاری ایران..... ۲۲۶
- ۴-۱-۱- متهم‌سازی ایران به حمایت از تروریسم بین‌المللی..... ۲۲۶
- ۴-۱-۲- متهم‌سازی ایران به نقض حقوق بشر..... ۲۲۷
- ۴-۱-۳- متهم‌سازی ایران به تولید سلاح‌های هسته‌ای (کشور جمع)..... ۲۲۸
- ۴-۱-۴- متهم‌سازی ایران به ایجاد بی‌ثباتی منطقه‌ای در خاورمیانه..... ۲۲۹
- ۲-۱- قدرت سخت و اقدامات آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران..... ۲۳۱
- ۲-۱-۲-۱- اقدامات آمریکا در زمینه بهره‌گیری از قدرت سخت..... ۲۳۱
- ۲-۱-۲-۱- بهره‌گیری از استراتژی مهار..... ۲۳۱
- ۲-۱-۱-۲- تقویت ترتیبات نظامی - امنیتی دوجانبه با دولتهای خلیج فارس..... ۲۳۲
- ۲-۱-۱-۲-۱- ایجاد ائتلاف منطقه‌ای عربی - اسرائیلی..... ۲۳۴
- ۲-۱-۱-۲-۱- تشدید فشارهای سیاسی - اقتصادی علیه ایران..... ۲۳۶
- ۲-۱-۱-۲-۱- چالش‌ها و موانع منطقه‌ای مهار ایران..... ۲۳۷

۲۳۹	۱-۲-۱-۲- برنامه ای هسته ای جمهوری اسلامی ایران
۲۴۰	۱-۲-۱-۲- نگرش امنیتی غرب به موضوع هسته ای ایران
۲۴۳	۱-۲-۱-۲- مراحل اجرایی شدن رویکرد اتحادیه اروپا در زمینه برنامه ی هسته ای ایران
۲۳۵	۱-۲-۱-۳- تروردانشمندان هسته ای
۲۳۸	۱-۳- اقدامات آمریکا در زمینه بهره گیری از قدرت نیمه سخت برای مقابله با ایران
۲۴۸	۱-۳-۱- تحریم اقتصادی
۲۴۹	۱-۳-۱- مفهوم تحریم و تعریف آن
۲۵۰	۱-۳-۱- انواع تحریم اقتصادی
۲۵۲	۵- اقدامات آمریکا در زمینه تحریم اقتصادی علیه ایران
۲۵۲	۵-۱- قانون تحریم اقتصادی علیه ایران در سال ۲۰۰۹ م.
۲۵۳	۵-۲- تهدید نفتی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده
۲۵۳	۵-۳- تحریم افراد و نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۲۵۴	۵-۴- تحریم سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز ایران
۲۵۵	۶- دلایل و اهداف کاربرد تحریم
۲۵۷	۷- آثار تحریم اقتصادی
۲۶۱	۷-۱- زمان بندی اثرات تحریم اقتصادی
۲۶۱	۷-۲- پیامدهای تحریم اقتصادی
۲۶۳	۸- قدرت هوشمند و هم افزایی ابزارهای قدرت برای مهار ایران
۲۶۶	نتیجه گیری فصل چهارم
	<b>فصل پنجم: نتیجه گیری، جمع بندی و ارائه راهکار و پیشنهادات</b>
۲۷۹	منابع و مآخذ

# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱- طرح مسئله

شاخصهای رفتاری سیاست خارجی آمریکا و ایران را می توان در قالب « تقابل گرایی دوسویه » مورد تحلیل و بررسی قرارداد. انقلاب اسلامی توانست قالبهای « بیگانه هراسی » در سیاست خارجی ایران را به الگوی « آمریکا ستیزی » تبدیل کند. از این مقطع زمانی به بعد شاهد تشدید تضاد های ادراکی- ایستاری این دو کشوری باشیم. در واقع؛ قطع رابطه سیاسی میان آمریکا و ایران به دنبال تسخیر سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفته شدن دیپلمات های آمریکایی به مدت ۴۴۴ روز زمینه را برای قدرت گرفتن جریان های تندرو در آمریکا علیه ایران فراهم کرد. این حادثه به عنوان، یک تحقیر تاریخی برای ایالات متحده زمینه را برای اتخاذ سیاست های گوناگون نسبت به ایران برای پاسخ دادن به آن فراهم کرد. انقلاب اسلامی نقطه عطفی در روابط آمریکا و ایران به وجود آورد و از آنجایی که الگوهای رفتاری این دو کشور بر اساس رهیافت ادراکی و ایدئولوژیک رهبران دو کشور شکل گرفته است و توجه به قالب های ارزشی و ایدئولوژیک الهام بخش رفتار آنها بود، زمینه لازم برای رفتارهای متعارض به وجود آمد. این رفتارها تحت تأثیر انقلاب اسلامی از شدت عمل بیشتری برخوردار بود و واقعیت های ادراکی و ایدئولوژیک ایران و آمریکا، نشانه هایی از تضاد همه جانبه را ایجاد کرد. به طوری که، بسیاری از استراتژیست های آمریکایی نسبت به جهت گیری انقلاب اسلامی ایران نگران بوده و تمامی تلاش های خود را برای بهره گیری از باورهای ایدئولوژیک و استراتژیک در مقابله با اسلام گرایی به کار گرفتند. برخی دیگر از نظریه پردازان آمریکایی در این برحه زمانی معتقد بودند که، پیروزی انقلاب اسلامی زمینه برای قدرت یابی کشوری اسلامی در منطقه ژئوپلیتیک و استراتژیک خاورمیانه به عنوان، مرکز و کانون منافع حیاتی آمریکا و الگویی برای کشورهای محافظه کار عرب به وجود می آورد که مواضع و منافع ایالات متحده را به خطر می اندازد. این امر طبیعی است که الگوی رفتار واکنشی آمریکا را نیز تشدید کرده و دامنه عملیاتی فراگیری را نیز ایجاد کند. مفهوم آن این است که جلوه هایی از جدال گرایی، ماهیت واکنشی داشته و از سوی دیگر، جهان اسلام در قالب ادراکات منفی ناشی از ایدئولوژیک گرایی تفسیر شود. در نگرش های آمریکایی ها مقابله با نیروهای رادیکال جهان اسلام به عنوان، نمادی از رفتار ایدئولوژیک محسوب می شود.

از آنجا که انقلاب اسلامی یک پدیده ای است که در قالب نیروهای تجدید نظر طلب و انقلابی برای کشور آمریکا خطر جدی محسوب می شود، سیاستمداران و دولت مدارن این کشور تصمیم گرفتند با اقدامات و اعمال رفتارهای متفاوت به این پدیده نو ظهور واکنش نشان دهند. براین اساس؛ جهت گیری سیاست خارجی آمریکا در برابر ایران، از آغاز انقلاب اسلامی تا کنون دشمنی با نظام اسلامی و هدف تغییر این نظام یا براندازی آن بوده است. این اقدامات در دهه نخست انقلاب اسلامی بیشتر نظامی و سخت افزاری بود که از جمله این اقدامات آمریکا در برابر ایران می توان به چند نمونه اشاره کرد که عبارتند از: وقوع طیس جهت آزاد کردن گروگان ها، جنگ ۸ ساله عراق با ایران و حمایت قاطع و کامل آمریکا از عراق و مجهز کردن نیروهای عراقی به انواع تجهیزات، تسلیحات و جنگ افزارهای نظامی، رویارویی ارتش آمریکا با ایران در خلال جنگ خلیج فارس، حادثه سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط ناوگان آمریکا و غرق کردن ناوچه های ایرانی توسط نیروهای آمریکایی، حمایت از- منافقین و گروه های ضد انقلابی در انجام کودتاهای کور و ترور شخصیت های نظامی و اقتصادی و بایکوت سیاسی در مجامع بین المللی علیه ایران. این اقدامات رویکرد قالب آمریکا در قبال ایران در دهه اول انقلاب بود. در دهه دوم انقلاب به دلیل؛ ناکارآمدی سیاست ها و استراتژی های پیشین، راهبرد خود را به سوی پروسه های جدیدی سوق دادند این امر از نیمه دوم دهه ۷۰ در قالب پروژه نرم افزاری در سیاست خارجی آمریکا به کار گرفته شد. هدف از این اقدامات، اولاً؛ تهی سازی نظام از اصول و ارزش های حاکم بر جامعه، ثانیاً؛ گسترش بی ثباتی و ناامنی به خصوص عدم امنیت روانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی- ارزشی بود. یک نمونه از اقدامات آمریکا در راستای قدرت نرم به شکل جنگ نرم و براندازی نرم می توان به قضایای ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و حادثه کوی دانشگاه تهران اشاره کرد.

دولتمردان آمریکا با طرح کردن موضوعاتی مانند: نقض حقوق بشر و دموکراسی، حمایت ایران از تروریسم، تلاش برای ساخت سلاح های هسته ای و کشتار جمعی، اخلاف در روند صلح خاورمیانه تهدیدهایی را نسبت به ایران صورت دادند به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م سیاست مداران آمریکا با لحنی تندتر و تهاجمی تر از گذشته به بهانه مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران را بارها به حمله نظامی تهدید کردند و کشور ایران را در کناره عراق و کره شمالی به عنوان «محور شرارت» قرار دادند. تا پیش از به قدرت رسیدن دموکرات ها، همچنان قدرت به شکل سخت افزاری به عنوان رویکرد غالب اولویت و ارجحیت داشت و استفاده از جنبه نرم قدرت در واقع پوششی برای هدف اصلی نومحافظه کاران بود. برای مثال؛ دولت بوش برای تعمیق و اثر بخشی بیشتر استراتژی مبارزه با تروریسم، استراتژی ترویج دموکراسی را در خاورمیانه طراحی کرد. طرح های دموکراسی آمریکا در منطقه با تغییر رژیم طالبان در افغانستان و تغییر رژیم صدام در عراق بر سخت افزار گرای مبتنی بود. به کلام دیگر، از نظر دولتمردان آمریکا عراق مجرای ورود به صحنه گسترده خاورمیانه و فعال سازی طرح های لیبرالیستی مربوط به این منطقه قلمداد می شود. از این رو؛ تاسیس عراق آزاد در قلب خاورمیانه، نقطه

عطفی در انقلاب جهانی دموکراتیک محسوب می‌شد. هدف بوش از این اقدامات در قالب سیاست خاورمیانه‌ای خود مانند تغییر رژیم در عراق، این بود که رژیم‌های نامطلوب آن منطقه نظیر ایران و سوریه تحت تأثیر آن قرار بگیرند و موجب آزاد سازی فضای سیاسی این کشورها فراهم شود. با توجه به اینکه سیاست آمریکا در دوران نوحافظه کاران و دولت بوش از تجلیات سخت افزاری بارزتری بهره‌مند بود، توجه به قدرت نرم به شکل محدودتری مورد توجه قرار گرفت؛ در نهایت زمینه برای پیدایش بحرانها در سطوح داخلی و خارجی فراهم شد و به عقیده بسیاری به افول هژمونی آمریکا منجر گردید. با این اوصاف، از آنجا که دولت اوباما هدف اصلی خویش را بازسازی و احیای رهبری آمریکا در نظام بین الملل می‌داند و با تجربه دوران جورج بوش و یک جانبه‌گرایی وی، این هدف را در قالب سیاست چند جانبه و همکاری ممکن می‌داند، و از طرفی، چون اقدامات صرف سخت افزاری یا به‌طور کوتاه مدت نرم افزاری نتوانسته مانع از ادامه روند پیشرفت ایران در زمینه تولید سلاح هسته‌ای و تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای این کشور شود، دولت اوباما قصد دارد با بهره‌گیری همزمان از انواع قدرت سخت - نیمه سخت و نرم در قالب «قدرت هوشمند» به مقابله با جمهوری اسلامی ایران اقدام کند. برای مثال یکی از خطرات و چالش‌های سیاست خارجی آمریکا، برنامه هسته‌ای کشور ایران می‌باشد که دولت اوباما به این امر توجه ویژه دارد. به ویژه در سخنرانی که در کاخ سفید پیرامون مسئله ایران داشت این مطلب را در مورد برنامه هسته‌ای ایران ذکر کرد؛

«در مورد ایران نیاز به دیپلماسی سرسختانه همراه با به کار بستن طیف کاملی از ابزارهای قدرت آمریکا داریم؛ هدف ما از دیپلماسی این می‌باشد که با وضع تحریم‌های سخت‌تر و افزایش فشار از جانب شرکای عمده تجاری ایران، هزینه ادامه برنامه هسته‌ای را برای آنها بالا ببریم»

بنابراین؛ استفاده از اهرم قدرت سخت و نیمه سخت به شکل ترور دانشمندان هسته‌ای و اتخاذ سیاست فشار سیاسی و تحریم اقتصادی و بهره‌گیری از قدرت نرم و جنگ نرم (حوادث پس از انتخابات ۸۸) و استفاده از ابزارهای قدرت نرم مانند سیاست مذاکره یا دیپلماسی عمومی (نشست ۵+۱) در قالب قدرت هوشمند تلقی گردیده که هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا از این اقدامات در قبال ایران به دوشکل جلوه‌گری می‌کند؛ از یک سو، در داخل کشور ایران هدف نظام اسلامی، تغییر رژیم و یا تغییر گفتمان جمهوری اسلامی و استحاله فرهنگ و ارزش‌های اسلامی از سوی دیگر، در عرصه خارجی مانع قدرت‌یابی ایران به ویژه در خاورمیانه به عنوان، قدرت منطقه‌ای و نیروی چالشگر و تهدیدی جدی علیه منافع آمریکا و همچنین ترسیم چهره مخدوش و منزوی از جمهوری اسلامی ایران در سیمای دیگر بازیگران نظام بین الملل می‌باشد.

با توجه به مطالب گفته شده در این پژوهش هدف این است که قدرت هوشمند به عنوان یک راهبرد و استراتژی نوین در سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و تبیین قرار دهیم. بنابراین؛ سؤال اصلی پژوهش به شکل زیر می‌باشد:

- قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران از چه جایگاهی برخوردار است؟

## ۲- سؤال اصلی تحقیق :

" قدرت هوشمند " در سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران از چه جایگاهی برخوردار است ؟

## ۳- فرضیه پژوهش

قدرت هوشمند به مثابه راهبرد نوین در سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما بوده که طبق برآورد دستگاه دیپلماسی ایالات متحده به دلیل چند جانبه گرا بودن به نسبت استفاده یک جانبه از قدرت سخت و یا نرم اثر بیشتری را نسبت به مهار جمهوری اسلامی ایران داشته است.

## ۴- متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل : قدرت هوشمند

متغیر وابسته: سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران.

## ۵. اهمیت و ضرورت تحقیق

موضوع حاضر یکی از مسائل سیاسی - امنیتی و مفاهیم مورد استفاده در ادبیات سیاسی رایج کشورمان می باشد که براین اساس ارتباط تنگاتنگی با سیاست گذاری کشور دارد لذا این پژوهش صد تبیین و شرح تهدیدهای « سخت افزاری » و «نرم افزاری» آمریکا در زیرپوشش « قدرت هوشمند» است تا بتواند به عنوان منبعی در صورت لزوم مورد استفاده قرار گیرد.

## ۶- شاخص های پژوهش

شاخص متغیرمستقل: حوزه های قدرت همچون ( قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت نیمه سخت)  
شاخص متغیر وابسته: پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران، بهره گیری از استراتژی مهار، ایران هراسی، تحریم اقتصادی، ترور دانشمندان هسته ای، جنگ نرم و افزایش فضای سایبری و ...

## ۷- پیشینه و سوابق تحقیق

از آنجایی که موضوع قدرت هوشمند یک موضوع نوین در عرصه پژوهشی و دانشگاهی می باشد و پیرامون آن سابقه تحقیقی و پایان نامه ای به نگارش در نیامده؛ با این وجود منابع و مقالات در این زمینه یافت شده که مواردی از آن به شرح ذیل می باشد:



” ارسلان قربانی ” در مقاله ای پژوهشی با عنوان ” قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن ” به بررسی این قدرت به عنوان تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن پرداخته است. وی معتقد است که در پرتو موج اثرگذار جهانی شدن و مؤلفه‌های آن مانند:

وابستگی متقابل، انقلاب ارتباطات، فرافناوری ها و ظهور بازیگران غیر دولتی و...، مفهوم قدرت به شکل سنتی و به صورت یکجانبه ( قدرت سخت) تحول یافته است و این شکل از قدرت به همراه دیگر اشکال قدرت ( قدرت نرم ) مورد توجه بازیگران نظام بین الملل به خصوص ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. به این ترتیب؛ ناکامی قدرت سخت به صورت یکجانبه و محدودیت های قدرت نرم به شکل اجرایی باعث شده تا سیاست خارجی آمریکا نوعی دیگر از قدرت و در واقع شکل ترکیب یافته از مؤلفه‌های قدرت را با نام « قدرت هوشمند» به کار بگیرد. بنابراین طرح قدرت هوشمند در پرتو دگرگونی‌های عصر جهانی شدن، چهره جدید از قدرت را به نمایش گذاشته است که جایگاه بازیگران در نظام جهانی و تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها را در راستای دستیابی به اهداف و منافع ملی خود تحت الشعاع قرار داده است. به این ترتیب؛ نویسنده در این مقاله هدف اصلی خود را شرایط جهانی شدن معاصر و واقعیت قدرت می‌داند. به همین دلیل؛ معتقد است که فهم قدرت هوشمند و کاربرد آن در سیاست خارجی آمریکا در بستر تحولات جدید نظام جهانی ضرورتی انکار ناپذیر است که باعث شده واقعیت قدرت و روابط آن عمیقاً در پرتو جهانی شدن ریشه بدواند. وی در ادامه می‌افزاید تحولات جهانی شدن و شرایط عصر جدید باعث شده دولت آمریکا قدرت را به شکل چند جانبه مورد توجه قرار دهد تا جایگاه در حال افول خود را بازسازی و احیا نماید. به این ترتیب؛ بهره‌گیری از قدرت هوشمند در سیاست خارجی آمریکا به دنبال تحولات و تغییرات عصر جهانی شدن به شکل گسترده‌ای تداوم می‌یابد. (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۲۷)

” ابراهیم متقی ” در مقاله ای پژوهشی با عنوان ” قدرت هوشمند و استراتژی تغییر چهره آمریکا در دوران اوباما ” به بررسی این قدرت در راستای سیاست تغییر باراک اوباما پرداخته است. وی معتقد است که علت شکل‌گیری چنین رویکردی را می‌توان ناکامی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۳ م. به بعد دانست که به دنبال آن تضعیف چهره سیاسی و همچنین افول نقش استراتژیک آمریکا در برابر دیگر بازیگران و به ویژه افکار عمومی و همچنین تغییر ذهنیت ادراکی نسبت به نقش این کشور در نظام بین الملل به عنوان حامی نظم جهانی به خصوص پس از جنگ عراق را به دنبال داشته است. نویسنده (دکتر متقی) در این مقاله با بیان اینکه هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما احیای قدرت این کشور و تقویت جایگاه استراتژیک آمریکا در نظام بین الملل می‌باشد و از آنجایی که مسائل و چالش‌هایی نظیر: تروریسم، تغییرات آب و هوایی، سلاح‌های کشتار جمعی به خصوص برنامه ی هسته ای ایران و کره شمالی، بحران اقتصادی و... سیاست خارجی آمریکا را تحت الشعاع قرار داده؛ بنابراین دولت اوباما در چارچوب سیاست تغییر در صدد است تا ترکیبی از مؤلفه‌های قدرت ( سخت، نیمه سخت و نرم) را در قالب کلی به نام « قدرت - هوشمند » به کار

گیرد. به همین دلیل؛ قدرت هوشمند به علت ماهیت منحصر به فرد و چند جانبه ای که داشته از قابلیت ها و توانایی برخوردار است که می تواند با ترکیب و پیوند ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و امنیتی، به شکل مکمل و توأمان سیاست خارجی آمریکا را جهت دهی کند. (متقی، ۱۳۸۷: ۷۵-۵۷)

وی همچنین در این مقاله به بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران پرداخته و با بیان اینکه دو کشور از الگوی ارزشی متعارضی برخوردار هستند و اینکه آمریکا با توجه به نیت و نگرشی رئالیستی که به مسئله قدرت دارد و به خصوص برنامه ی هسته ای ایران را با نگاه امنیتی و توسعه طلبانه ارزیابی می کند و دستیابی ایران به فناوری هسته ای را قدرت یابی و به چالش کشیدن منافع استراتژیک خود در منطقه و برهم زدن توازن قدرت در منطقه خاورمیانه می داند. به همین دلیل؛ دولت اوباما درصدد است تا با به کارگیری قدرت هوشمند به شکل همه جانبه از مؤلفه های مذکور سیاست خارجی آمریکا را جهت دهی و از این طریق به مقابله با تهدیدها و چالشها پرداخته و جایگاه در حال افول ایالات متحده را در نظام بین الملل را احیا و ثبات بخشد. (متقی، ۱۳۸۷: ۷۷)

” جوزف نای ” در کتابی با عنوان ” رهبری و قدرت هوشمند ” که آن را در پنج فصل تالیف کرده است، به بررسی و شناخت رهبری و رابطه آن با قدرت سخت و نرم ( قدرت هوشمند) می پردازد. فصل اول درباره فراگیر بودن رهبری در گروه های انسانی و سازمان ها در طول زمان بحث می کند و اهمیت علی رهبران را در تاریخ نشان می دهد. رهبری با و بدون اقتدار، رهبری اشتراکی و نقش طبیعت (محیط) و تربیت را در شکل دهی به رهبران مورد بررسی قرار می دهد. فصل دو به رابطه رهبری و قدرت هوشمند اختصاص دارد که این فصل مهمترین بخش تشکیل دهنده این کتاب می باشد نای ضمن تعریف قدرت سخت و قدرت نرم و تمایز گذاری بین این دو قدرت، معتقد است که اگر قدرت نداشته باشید نمی توانید رهبری کنید. وی قدرت را، توانایی تأثیر بر دیگران برای رسیدن به نتایج دلخواه می داند. اینکار به سه شیوه اصلی انجام می گیرد:

می توانید آنها را با تهدید مجبور کنید، می توانید آنها را با پول یا رشوه تشویق کنید، یا می توانید آنها را جذب یا همراه خود نماید. (نای، ۱۳۸۷: ۷۳-۶۷) وی در ادامه به ترکیب قدرت سخت و نرم با عنوان قدرت هوشمند معتقد است و می گوید که رهبری یعنی « توانایی استفاده و به کارگیری انواع قدرت به طور همزمان و همراه با در نظر گرفتن شرایط و بافت محیطی مورد نظر». وی رهبران موفق را رهبرانی می داند که بتوانند قدرت را به صورت هوشمندانه و با توازن بین قدرتهای مذکور جهت دهی کنند. (نای، ۱۳۸۷: ۸۳)، همچنین به بحث درباره منابع قدرت و اینکه چگونه بر اساس زمان و زمینه شرایط محیطی تغییر می کنند می پردازد. فصل سوم بر گونه ها و مهارت های رهبران تمرکز دارد. در این فصل، نای مفاهیم رهبران کاریزماتیک و غیر کاریزماتیک را نقد و ارزیابی می کند و مهارت های و رهبران دگرگون کننده و تراکنشی ( transactional ) کلیدی رهبری در جوامع

مردم سالار مدرن را که شامل: مهارت‌های الهام بخشی بصیرت، و همچنین مهارت‌های سیاسی و سازمانی مرتبط با ارتباطات و هوش احساسی (emotional IQ) آنها را مورد بررسی قرار می دهد. (نای، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۱۶)

فصل چهارم اصل آگاهی متنی برای قدرت هوشمند را مطرح می کند. در این فصل، نای درباره فرهنگ، توزیع قدرت، نیازها و خواسته‌های پیروان، شرایط بحرانی و جریان‌های اطلاعات بحث می کند. همچنین نای معتقد است که آگاهی متنی خوب، گستره اطلاعاتی رهبران را وسعت می دهند تا بتوانند راهبردهایی را برای شرایط گوناگون توسعه دهند و اتخاذ کنند.

سرانجام فصل پنجم، نای درباره رهبری خوب و بد هم از دیدگاه اثربخشی و هم از نظر اخلاقی اینکه چرا رهبران اغلب استاندارد متفاوتی دارند بحث می کند. همچنین در این فصل نای درباره نحوه فهم داوری در ارتباط با موضوع رهبران خوب و بد برای آینده مردم سالار به عنوان یک ضرورت بحث می کند. (نای، ۱۳۸۷: ۲۱۴-۲۱۱).

باتوجه به اینکه در این زمینه پایان نامه ای به نگارش درنیامده و همچنین تعداد مقالات چاپ شده در ارتباط با موضوع قابل توجه نبوده و زیاد نتوانسته ام به آنها دسترسی داشته باشم، بنابراین سعی کرده ام در این قسمت با توجه به چارچوب نظری قدرت نرم از تحقیقات انجام شده، در ادامه بهره جویم؛ جوزف نای در دهه اخیر با تحلیل و تبیین چارچوب نظری و مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم سعی در کاربردی کردن این مفهوم در سیاست خارجی آمریکا را داشته است. و در این زمینه کتاب و مقالات متنوعی را به نگارش درآورده است. آقای " جوزف نای " در کتابی با عنوان " قدرت نرم؛ ابزار موفقیت در سیاست بین الملل " به بررسی قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا پرداخته است. و چارچوب مفهومی را ارائه کرده است که از یک طرف، نقش و جایگاه مهمی در سیاست سازی و از طرف دیگر، در مدیریت صحنه‌های سیاسی ایفا می کند. وی این کتاب را در ۱۵۰ صفحه تدوین و تالیف نموده است. نویسنده هدف اصلی از نگارش این اثر را در انتقاد شدید نسبت به سیاست نظامی گری دولت جورج بوش و پاسخی به ناکامی قدرت سخت به عنوان تنها ابزار موفقیت در سیاست خارجی آمریکا در نظام بین الملل مطرح می کند. در واقع؛ نای این اثر را در ارتباط با جنگ عراق (۲۰۰۳ م.) مطرح می کند و این جنگ را زمینه ای مناسبی تلقی می کند که تصمیم گیرندگان سیاست خارجی آمریکا توجه بیشتری را نسبت به قدرت نرم داشته باشند و به آنها توصیه می کند که این قدرت را بیش از پیش در سیاست خارجی آمریکا مورد توجه قرار دهند و از آنجایی که؛ هزینه استفاده از آن نسبت به قدرت سخت به مراتب کمتر می باشد آن را در سیاست خارجی در مرکز توجه قرار دهند. (نای، ۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۳۰)

" جوزف نای " در اثر دیگر خود با عنوان " قدرت نرم " که آن را در پنج فصل تالیف و به نگارش در آورده است به بررسی و شناخت نوع دیگر از قدرت به نام « قدرت نرم » می پردازد نای معتقد است که اثر حاضر یکی از آثار قابل توجه و پراهمیت در موضوع « قدرت نرم » در سیاست خارجی آمریکا در نظام بین الملل می باشد.

که از یک سو، به گسترش ادبیات سیاسی پیرامون این مباحث کمک شایانی می‌کند و از سوی دیگر، جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا را به شکل بهتری و مشروع‌تری سازمان‌دهی می‌کند. همچنین از حیث علمی نیز این اثر می‌تواند برای محققان و پژوهشگران در عرصه‌های دیپلماسی عمومی، تبلیغات، افناعت‌سازی و قدرت نرم، اثری کاملاً قابل توجه و درخور اعتنا به شمار می‌آید.

سرانجام نای نتیجه می‌گیرد که «موفقیت آمریکا بستگی خواهد داشت به توسعه یک درک عمیق تر و همه‌جانبه از قدرت نرم و ایجاد تعادل بین قدرت سخت و نرم به شکل مناسب و متناسب در سیاست خارجی آن» برای شناخت بیشتر این اثر، این پنج فصل به صورت خلاصه به قرار زیر می‌باشد:

فصل اول کتاب، با بحث «ماهیت متغیر قدرت» آغاز می‌شود. مفهوم قدرت و منابع قدرت و تبدیل منابع به قدرت تحقق یافته، از بحث‌های اولیه این فصل است. سپس، نویسنده به قدرت نرم می‌پردازد و با ارائه تعریفی از قدرت نرم تلاش می‌کند عناصر وارکان اصلی در این مفهوم را بازشناسی و بازتعریف کند. مؤلف در بحث بعدی در این فصل به منابع قدرت پرداخته، تلاش می‌کند توانمندی و ضریب تأثیرگذاری این منابع را شرح دهد. یکی از بحث‌های مهم این فصل نسبت به بین سیاست‌های حکومت و قدرت نرم می‌باشد، همچنین در ادامه این فصل با بررسی نقش متغیر قدرت نظامی، تروریسم و خصوصی‌سازی جنگ، کنش متقابل قدرت نرم و قدرت سخت و اینکه گاه این دو نوع قدرت یکدیگر را تقویت و تحکیم می‌کنند و گاهی در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند و بررسی مطالعاتی مورد جنگ عراق در این باب به پایان می‌رسد (نای، ۱۳۸۳: ۵۰-۲۵)

فصل دوم کتاب با عنوان «منابع قدرت نرم آمریکا» آغاز شده است. جذابیت‌ها در آمریکا و شاخص‌های دیگر اجتماعی آغازگر بحث‌های این فصل است. موضوع آمریکا و آمریکایی ستیزی و پیدایش و افول آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این ارتباط میزان علاقه مردم اروپای غربی و ابعاد جذابیت آمریکا در کنار یکدیگر مقایسه و منابع دیگر آمریکا ستیزی نیز به بحث کشیده شده است. بحث مدرنیته در آمریکا نیز از بحث‌های جالبی است که در این فصل هر چند مختصر بدان پرداخته شده است. سیاست خارجی عنوان دیگری است که در پایان این فصل آمده است. در این فصل، جذابیت‌های ایالات متحده آمریکا و بازتاب آن در سیاست خارجی اش از مفاهیم و روش‌هایی که توسط آنها این جذابیت شکل می‌گیرد، مورد بحث است. در این ارتباط سیاست‌هایی که ارزش‌های مهمی را ارائه می‌کنند، حفظ میزانی از نظم جهانی، ارتقای مصالح عمومی و از این دست موضوعات جدید و جالب را در تعامل میان سیاست خارجی آمریکا از یک سو و جذابیت از سوی دیگر مطرح می‌سازد. (نای، ۱۳۸۳: ۷۰-۵۲)

فصل سوم با نام «قدرت نرم دیگران» شروع می‌شود. در این فصل نویسنده (جوزف نای) به بررسی و تحلیل قدرت نرم دیگران از قبیل اتحاد جماهیر شوروی سابق (روسیه فعلی)، اروپا، آسیا و بازیگران غیرحکومتی پرداخته است. وی تلاش می‌کند تا تصویری از این مناطق و بازیگران در ارتباط با خلق قدرت نرم و به کارگیری آن